

رنگرزی و رفوگری فرش در استان مرکزی

فاطمه ولیخانی چگنی^۱

چکیده

تاریخ فرش با تاریخ تمدن بشر عجین شده است و انسان نخستین طی قرن‌ها با درهم تنیدن الیاف گیاهی و پوست درختان، کار «بافت» را تجربه کرد و تعادلی داد. با پیشرفت و توسعه در همه زمینه‌ها، ابزار و وسایل «بافت» نیز دچار تحول شد و نوعی زیرانداز به نام «فرش» وارد زندگی انسان گردید. همزمان با این تحول، صنایع مرتبط با بافت فرش نیز شکل گرفت و توسعه یافت که دو صنعت رنگرزی و رفوگری از جمله این صنایع بودند. در رنگرزی سنتی، استفاده از انواع گیاهان و حشرات برای ایجاد رنگ‌های طبیعی تنوع و کیفیت فراوانی به این صنعت بخشید. رفوگری نیز در کنار قالی بافی به فرش ایرانی زندگی دوباره داد تا جایی که هنرمندان رفوگر در کنار قالی بافان، موجب تحول در صنعت قالی بافی شدند.

کلیدواژه‌ها: فرش، صنایع دستی، رنگرزی فرش، رنگ‌های گیاهی،

رفوگری فرش

1. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، پژوهشگر و کارشناس آموزش صدا و سیما

استان مرکزی

valikhani57fa@yahoo.com

یادش بخیر

| | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| یاد باد آن سال‌ها یادش بخیر | آن همه شور و صفا یادش بخیر |
| یاد از کلک هنرمندان ما | هنر آن دست‌ها یادش بخیر |
| یاد از ساروق و فرش لیلیان | نقش آن گلبوته‌ها یادش بخیر |
| عشق بود و تار و پود و نقش فرش | عاشقان بی‌ریا یادش بخیر |
| عشق با قالی‌گره‌ها خورده است | رقص آن آلاله‌ها یادش بخیر |
| لاله و گل‌های خوش‌نقش و نگار | در میان فرش ما یادش بخیر |
| داشت رونق فرش‌های دستبافت | بود شیئی دل‌ریا یادش بخیر |
| ای عزیزان اراکی هم‌تی | همت اجداد ما یادش بخیر |
| قالی ما جزیی از فرهنگ ماست | کی بُده از ما جدا یادش بخیر |
| هجرتی شاگرد این مکتب است | شور مکتب‌خانه‌ها یادش بخیر |

(سید مصطفی هجرتی)

مقدمه

از بافت نخستین قالیچه‌ها و اینکه چه قومی در ابتدا به این کار مبادرت کرده، هیچ‌گونه اطلاع موثقی در دست نیست؛ زیرا قالیچه‌ها به لحاظ ساختار طبیعی‌شان در اثر رطوبت و نفوذ حشرات آسیب می‌بینند. اما به دلیل ماده مورد نیاز تهیه آن یعنی پشم، گمان می‌رود نخست قبایل چادرنشین آسیای مرکزی که کارشان گله‌داری بوده، به صورت ابتدایی، به چگونگی تهیه آن پی برده‌اند. قدیمی‌ترین نمونه‌ای که باستان‌شناسان به آن دست یافته‌اند، قالیچه‌ای است که به علت دستیابی به آن در گور یخ زده یکی از فرمانروایان سکایی در دره پازیریک واقع در 00 کیلومتری مغولستان خارجی، به نام قالیچه پازیریک نامیده شده است. این فرش که به عنوان پوشش اسب به کار می‌رفته، در هر

رنگرزی و رفوگری فرش در استان مرکزی ❖ 241

سانتیمتر مربع دارای 36 گره ترکی است. صاحب نظران با توجه به نقش‌های روی این قالی که شبیه نقوش اصیل هخامنشی است، آن را ایرانی می‌دانند و معتقدند که قالی مزبور از دستبافت‌های مادها و پارت‌ها (خراسان بزرگ قدیم) است. رنگ‌های مورد استفاده در این قالی قرمز اخرایمی، زرد، سبز کمرنگ و نارنجی است.

تشابه نقوش سواران و مردان پیاده که در کنار اسبان خود راه می‌پیمایند و جانوران بالدار در این قالی با نقوش تخت‌جمشید، صحت نظر این محققین را قوی‌تر می‌سازد. صاحب نظران همچنین معتقدند، بافت قالیچه‌ای با چنین ویژگی‌ها، مستلزم دارا بودن پشتوانه‌ای فرهنگی و هنری در ارتباط با بافت فرش حدافل برای چندین قرن خواهد بود و مبین این نکته است که در قرون متمادی، قبل از بافت فرش معروف پازیریک، این حرفه در فلات ایران رواج داشته و ایرانیان به رموز آن پی برده بودند. گفتار مورخین نیز حاکی از تأیید همین نکته است. به طوری که گزنفون مورخ یونانی در کتاب خود موسوم به «سیرت کوروش» می‌گوید، ایرانیان برای اینکه بسترشان نرم باشد، قالیچه زیر بستر خود می‌گسترده‌اند. (وولف، 1372: 192) این عبارت نشان دهنده آن است که قالیبافی از قرن‌ها قبل عمومیت داشته و در زندگی روزمره جایگاه خود را یافته و جزء ملزومات زندگی به شمار می‌آمده است.

یکی از ویژگی‌های مهم قالی‌های ایرانی که آن را در جهان متمایز کرده است، رنگ و تکنیک رنگرزی آن است. در رنگرزی سنتی، ماده رنگی که منشأ گیاهی یا حیوانی دارد، در شرایط معینی از درجه حرارت و زمان، بر روی الیاف یا پارچه‌های ابریشمی، پشمی، کرکی و پنبه اثر می‌کند و باعث ایجاد رنگی ثابت در آنها می‌شود.

نمونه‌های متعدد از آثار باقی مانده در مناطق مختلف جهان، چگونگی استفاده از رنگ را در دوران پیش از تاریخ نشان می‌دهد. آثار مربوط به دوران غارنشینی، از نقاشی‌های روی دیواره غارها، صخره‌ها و سفالینه‌ها تا رنگ‌هایی

که برای تزئین بر پوست بدن استفاده می‌شد، قدمت و کاربرد گوناگونی را در تاریخ نشان می‌دهد. (پایگاه اطلاع رسانی گره) در ایران پیش از اسلام، رنگرزی، با آداب خاصی انجام می‌شده است و رنگرزان از احترام خاصی برخوردار بوده‌اند.

نقوش دیواری شوش، سربازانی را نشان می‌دهد که لباس‌هایی چند رنگ به تن دارند. کلاف‌های نخ و کاسه‌های کوچک رنگرزی در حجاری‌های تخت‌جمشید نیز، نمونه‌هایی از توسعه هنر رنگرزی در ایران را نشان می‌دهد. به دلیل وجود دستبافت‌های متنوع در ایران و گسترش نساجی و قالی‌بافی در طول تاریخ، رنگ و رنگ‌آمیزی در ایران از تنوع و گسترش خاصی برخوردار بوده است. کشف «فرش پازیریک» که رنگ‌های سرخ تیره، سبز، آبی، زرد کم‌رنگ و نارنجی در آن به کار رفته است، نشان از آشنایی ایرانیان با رنگرزی الیاف در دوره هخامنشی دارد.

با گسترش هنر قالیبافی در دوران بعد از اسلام، هنر رنگرزی نیز توسعه یافت که بی‌تردید، وفور و تنوع گیاهان رنگزا در نقاط مختلف ایران در این امر نقش بسزایی داشته است. نمونه‌های منحصر به فرد قالی‌های ایرانی در موزه‌های جهان شاهد این ادعاست.

از مهم‌ترین مراکز رنگرزی ایران می‌توان به استان‌های مرکزی، فارس، آذربایجان غربی و شرقی، اصفهان، خراسان، کاشان، کرمان، یزد، لرستان، همدان و ترکمن صحرا اشاره کرد. (پایگاه اطلاع رسانی رنگرزی 86)

این صنعت در استان مرکزی از گذشته‌های دور تاکنون جایگاه خاصی داشته است. برای نمونه، فعالیت سنتی روستای «آمره» از توابع شهرستان کمیجان رنگرزی بوده است. تا حدود نیم‌قرن پیش، کارگاه‌های رنگ این روستا کاملاً فعال بودند و تقریباً تمام خانواده‌های آمره به نوعی با این حرفه آشنایی داشتند؛ هنوز هم بقایای خمره‌ها و ظروف مسی رنگرزی در بسیاری از منازل آمره دیده می‌شود.

رنگرزی و رفوگری فرش در استان مرکزی ❖ 243

عبدالله مستوفی مؤلف کتاب «شرح زندگانی من» در سال 1310 قمری ضمن عبور از امره می‌نویسد: «... رعیت‌ها به استقبال ما آمدند و قربانی کشتند، رعیت‌ها دست‌هایی را که از رنگرزی کبود شده بود، از آستین عباها بیرون آورده با کمال ادب ایستاده بودند. رنگرزی امره در عراق و بروجرد و حتی کردستان و کرمانشاه معروف بود. شلوار مردانه دهاتی‌ها که از کرباس و متقال می‌دوختند، باید رنگ نیلی قریب به سیاهی داشته باشد. در آب امره خاصیتی تشخیص داده بودند که این رنگ را به خوبی به عمل می‌آورد و در پارچه ثابت نگه می‌دارد. این بود که اهالی، رنگرزی می‌پذیرفتند و انجام می‌دادند ... و دست‌های همه اهالی تا قدری بالاتر از مرفق سیاه بود.» (پایگاه اطلاع رسانی اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان قم)

هنر رنگرزی سنتی در استان مرکزی

در کشور ما بیش از صد نوع رنگینه گیاهی به ثبت رسیده که از نظر ثبات از درجات مختلفی برخوردار است؛ بعضی از آنها ثبات کمی دارند و صرفاً برای عوض کردن «شید»¹ رنگ‌های دیگر استفاده می‌شوند. با وجود تفاوت‌هایی که در مناطق مختلف وجود دارد، رنگرزی سنتی دارای فرمول مشخصی است. ابریشم یا پشمی که با مواد گیاهی رنگ می‌شود، دارای نوعی جذابیت و زیبایی است که به مرور زمان و در اثر استفاده و قرار گرفتن در معرض نور و مواد قلیایی و ... نه تنها از ارزش آن کاسته نمی‌شود، بلکه به ثبات و درخشندگی آن نیز می‌افزاید. علاوه بر این، رنگ‌های سنتی (گیاهی و حیوانی) حاصل تجربه صدها ساله مردمان سختکوش سرزمینی است که همواره با اقتباس از طبیعت به زندگی خود رنگ بخشیده‌اند و از ارزش معنوی و مادی بسیاری برخوردارند. (پایگاه اطلاع رسانی نودهشتیا)

1. تغییر رنگ دادن برای به دست آوردن رنگ‌های ملایم تر

244 ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در استان مرکزی نیز تا قرن اخیر که فرش از شهرت جهانی برخوردار بود، بیشتر قالی بافان منطقه، خود، تولید کننده پشم بودند و تمام مواد رنگی مورد استفاده در فرش‌های استان از منابع گیاهان رنگدار موجود در منطقه نظیر پوست گردو، پوست انار، اسپرک، کاه، روناس، نیل و ... تأمین می‌شد، به طوری که یکی از برتری‌های قالی ایران بر قالی‌های تولید شده در کشورهای دیگر، رنگ‌آمیزی طبیعی آن بود. در عصر قاجار با ورود بازرگانان بیگانه به این منطقه، رنگ‌های شیمیایی هم به این صنعت راه یافت و مصرف آن در قالبی و سایر رشته‌های مرتبط، متداول و جایگزین بسیاری از رنگ‌های طبیعی شد. به دلیل ورود این رنگ‌ها، کیفیت و درخشندگی فرش‌ها کاهش یافت و به دلیل سهولت رنگرزی شیمیایی، شاهد استفاده روزافزون این نوع رنگرزی در فرش و از میان رفتن رنگرزی گیاهی در مناطق مختلف استان هستیم. (موسوی، 1385: 22)



کارگاه رنگرزی سنتی در اراک سال 1344 (شاملو، 1344: 55)

رنگ‌های گیاهی

دسته‌ای از گیاهان دارای رنگینه‌هایی با ثبات عالی و متوسط هستند و در رنگرزی سنتی نقش مؤثری دارند. روناس، اسپرک، نیل (ثمل)، برگ انگور

رنگرزی و رفوگری فرش در استان مرکزی ❖ 245

عسگری، چغندر، پوست پیاز، پوست انار، کاه و پوست سبز گردو از گیاهانی هستند که در استان مرکزی از رنگینه‌های آنها در رنگرزی استفاده می‌شود. در ادامه به برخی از این رنگ‌ها اشاره می‌شود:

نیل: برای تهیه انواع رنگ‌های آبی روشن و سرمه‌ای استفاده می‌شود. گاهی نیل را در جاشیر^۱، همراه با دندان زاج می‌جوشانند و از ترکیب آن با شیر و برگ مو، رنگ سبز می‌گیرند و با افزودن گردو به آن رنگ طوسی تهیه می‌کنند.



زاج

پوست انار: مانند اسپرک، رنگ زرد تولید می‌کند، ولی ثبات آن بیشتر است. قالیبافان استان مرکزی آن را از خرم‌آباد لرستان تهیه می‌کنند.

برگ مو: این نوع ماده به وفور در استان تولید می‌گردد و برای رنگرزی از آن استفاده فراوان می‌شود.

روناس: ماده رنگزای روناس در ریشه آن قرار گرفته است. با کم و زیاد کردن درصد و تغییر دندان^۲، از این ماده هم رنگ‌های قرمز به دست می‌آید. این نوع ماده از استان‌های اصفهان و یزد خریداری می‌شود که البته مرغوب‌ترین آن نوع یزدی است.

1. نام ظرفی است که معمولاً در آن شیر نگهداری می‌شود.

2. نام نوعی سنگ معدنی است.

اسپرک: گیاهی است که در تمام نقاط ایران یافت می‌شود. با رنگینه آن انواع رنگ‌های زرد طلایی، زرد، زرد کدر و شفاف، شرابی، قهوه‌ای، عبایی (دارچینی) و کات کبود به دست می‌آید.

کاه: از جوشاندن کاه که در واقع همان لایه اصلی دانه گندم است، رنگ کرم کاهی به دست می‌آید.

پوست گردو: از ترکیب پوست گردو و کاه انواع رنگینه‌های قهوه‌ای روشن تا مشکی و خاکستری تولید می‌شود. تنوع این رنگ‌ها بستگی به استفاده از دانه‌ها و مواد کمکی افزوده شده دارد. این نوع ماده در تفرش خریداری می‌شود.

جفت: جفت پوسته بین مغز و پوست میوه بلوط است که از آن رنگ بژ به دست می‌آید.

رنگ‌های حیوانی

قرمز دانه بهترین ماده رنگزایی است که از حشره‌ای به همین نام تهیه می‌شود. این حشره که به شکل نخودی فشرده است و به «کفش دوز» معروف است، اغلب بر روی درختان بلوط، سرو، کاج و کاکتوس زندگی می‌کند و در قاره‌های آسیا، اروپا، آفریقا و آمریکای جنوبی فراوان است.

شیوه استفاده از این نوع حشره به این شکل است که قرمز دانه را خشک و به صورت پودر در آب و اسیدهای معدنی حل می‌کنند که حاصل آن، رنگ قرمز است. حال اگر به جای اسید از ماده‌ای قلیایی استفاده شود، رنگ بنفش به دست می‌آید و از ترکیب با رنگ‌های گیاهی، انواع شیده‌های رنگی تولید می‌شود.

این شیوه رنگرزی هرچند مشتریان زیادی در استان دارد و تا حدود 10 سال قبل نیز اجرا می‌شد، ولی در حال حاضر به علت گرانی و کمبود مواد رونق چندانی ندارد.

ابزار و مواد مورد نیاز در رنگرزی

عملیات رنگرزی و دندان‌دانه کردن در تون¹ صورت می‌گیرد و باید از جنس مس چهارمیل باشد. همچنین موارد زیر در رنگرزی مورد استفاده قرار می‌گیرد:

ترازو برای وزن کردن رنگینه‌ها و الیاف
چوب برای هم زدن الیاف در حمام رنگرزی
نمک‌های فلزات مانند زاج سفید، زاج سیاه، کات کبود، تیزاب و ...
مواد قلیایی مانند سود و آمونیاک و ...
اسیدها، مانند اسید تارتارات، اسید لاکتیک، پتاس و اسیدهای قلیاب و آهک

آب که به دلیل استفاده مداوم در رنگرزی، باید از شرایط و خواص لازم برخوردار باشد.
کلاف‌های پشم

مراحل رنگرزی

1. خیساندن کلاف: کلاف‌های پشمی را در تون آب گرم برای 2 ساعت

تون آماده شده برای رنگرزی



خیس می‌کنند، سپس آب کلاف را می‌گیرند و در آب 30 تا 35 درجه همراه با مقدار کافی پاک‌کننده می‌شویند. پس از آن بار دیگر کلاف را با آب معمولی می‌شویند و پس از مرحله آبگیری، خشک می‌کنند.

2. دندان‌دانه کردن پشم: ظرف تون را گرم می‌کنند و در آن آب می‌ریزند و در دمای 00 درجه سانتیگراد دندان‌دانه را اضافه می‌کنند و بعد از 69 دقیقه کلاف

1. به لهجه اراکی، حمام رنگ یا پاتیل را تون می‌گویند.

248 ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

شسته شده و نمدار را داخل تون می‌اندازند و یک ساعت با دمای 55 درجه سانتیگراد (برای ابریشم 00 درجه سانتیگراد) قرار می‌دهند. شایان ذکر است که زمان لازم برای دندان‌های مختلف، متفاوت است. مثلاً دندان‌ها را با زاج سیاه وقت کمتری لازم دارد.

3. رنگ‌رزی: تون را آماده می‌کنند و کلاف‌های شسته و دندان‌ها را داخل آن می‌ریزند. دمای تون را به تدریج به جوش می‌رسانند تا حدود یک ساعت کلاف‌ها در رنگ بجوشند. هر 5 دقیقه، کلاف‌ها را با چوب همزن برمی‌گردانند.



کلاف‌های رنگ شده و آماده در کارگاه

چون بر اثر تبخیر، حجم محلول رنگ کم می‌شود، بنابراین با اضافه کردن مقداری آب جوش محلول را همواره در 20 تا 30 برابر وزن کلاف نگه می‌دارند.

پس از اتمام زمان (یک ساعت)، جوشاندن را متوقف می‌کنند و می‌گذارند تا حمام رنگ به مرور سرد شود. سپس کلاف‌ها را خارج می‌سازند و ابتدا با آب نیمه گرم و سپس با آب معمولی و سرد می‌شویند و آبگیری می‌کنند و برای خشک شدن، در مجاورت هوای آزاد قرار می‌دهند. (هوایی، اراک،

(1300

رفوگری فرش

رفوگری هنری است که بعد از هنر قالیبافی به وجود آمده و محرک ایجاد آن نیز احتیاج بوده است، زیرا هر فرش امکان دارد در معرض فساد قرار بگیرد و به مرور زمان آسیب ببیند. بنابراین، تا زمانی که فرش وجود دارد، هنر رفوگری نیز باقی خواهد ماند. در حقیقت می‌توان گفت، هنر رفوگری مکمل هنر فرش‌بافی است. نام نخستین کسی که مبادرت به رفوگری کرده است، مثل نام اغلب سازندگان، ناشناس و گمنام مانده است. این نیکمرد هر که بوده، گمنام زیسته و گمنام نیز مرده است، بدون اینکه خود بداند که چه خدمت ذی‌قیمتی به عالم فرش عرضه داشته است.

ارزش هنر رفوگری وقتی بیشتر معلوم می‌شود که فرش گرانبهایی در نتیجه پوسیدگی یا بیدزدگی یا رطوبت و آتش‌سوزی یا کثرت استعمال و حوادث دیگر آسیب دیده باشد که در این هنگام انگشتان معجزه‌گر رفوگر به کمک می‌آید و با دست‌های سخاوت و هنر ظریف خود، روحی تازه به کالبد این قالی مشرف به موت می‌دهد و با نجات آن از تباهی، جلوه و زیبایی تازه‌ای به آن می‌بخشد.

هر فرش‌باف باید کم و بیش با هنر رفوگری نیز آشنا باشد تا در هنگام ضرورت بتواند نیازهای خود و دیگران را مرتفع سازد. البته مهارت و ممارست در این رشته نیاز به تعلیم گرفتن و تمرین و کسب تجربه دارد که رفوگر تازه‌کار به تدریج به این مهارت دست می‌یابد. پیش از شروع به رفوگری، باید فرش مورد نظر را کاملاً گسترده و پشت و روی آن را به دقت بررسی کرد و نوع و میزان آسیب دیدگی‌ها را تعیین و یادداشت نمود. با توجه به اینکه فرش نوعی منسوج است و در مقابل حرارت و رطوبت و مرور زمان آسیب می‌پذیرد، ضایعات فرش را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

1. ضایعات ناشی از کهنگی و طول عمر قالی از قبیل پوسیدگی، پاره شدن شیرازه، دررفتگی و فرسودگی چله‌ها، جرخوردگی و پارگی، رنگ پریدگی یا از بین رفتن پرزها و غیره.

2. ضایعات ناشی از حوادث آتش‌سوزی و سوختگی، بیدزدگی، پوسیدگی ناشی از رطوبت یا مواد شیمیایی، بریدگی با وسایل برنده و چاقو. ضایعات فوق ممکن است سطحی باشد یعنی فقط به روی پرزهای فرش اثر بگذارد یا عمیق باشد و به چله‌ها و پودهای فرش نیز آسیب برساند.

وسایل مورد نیاز در رفوگری

1. وسایل کار از قبیل قلاب، درفش، خواب پشت، دفتین، قیچی، دم باریک (انبردست)، سوزن در دو اندازه کوچک و بزرگ، نخ پود، نخ پنبه‌ای (چله)، نخ ابریشمی، ظرف آب، تخته، چارچوب چکش، میخ کش، اتو، کیله، میخ.



لوازم رفوگری

2. نخ‌های رنگین مطابق رنگ بافت فرش. بر حسب اینکه فرش کهنه و رنگ‌رفته باشد، باید نخ‌ها نیز رنگ‌رفته انتخاب شود. نخ‌های چله و پودها نیز به همین ترتیب انتخاب می‌شود.

رنگرزی و رفوگری فرش در استان مرکزی ❖ 251

3. باید از روی قسمت‌های مشابه و سالم فرش نقشه قسمتی از فرش که از بین رفته است تهیه شود.

مراحل رفوگری

1. شیرازه‌دوزی: رفوگر ابتدا باید نخ مناسب با رنگ مناسب را از روی شیرازه باقی‌مانده فرش تهیه کند و سپس به ترمیم خرابی‌ها و قسمت‌های از بین رفته شیرازه بپردازد. چنانچه نخ‌های مورد استفاده رفوگر با نخ‌های شیرازه قبلی هم‌رنگ نباشند، عمل رفوگری مثل عمل وصله‌کاری به چشم خواهد خورد و ارزشی نخواهد داشت و باعث افت قیمت فرش خواهد شد.
2. پل‌سازی: در صورتی که چله‌های اول و آخر فرش از بین رفته باشد، رفوگر باید تمام چله‌ها را با رنگی هم‌رنگ چله‌های اول ترمیم کند.
3. گلیم‌بافی: گلیم فرش باید مطابق با اول و آخر فرش اولیه زده شود.
4. بیدخوردگی: رفوی پشت و روی فرش بید خورده هر یک روش مخصوص به خود دارد که رفوگر قبل از اقدام، باید به قدر کافی مجرب و آزموده باشد تا از رفوی خود رضایت خاطر حاصل کند.



فرش نیازمند رفوگری

5. سوراخ شدگی، پارگی، سوختگی و چروک خوردگی که همه این حالات ممکن است در اثر کهنگی و مرور زمان پیش بیاید. همچنین ممکن است مثلاً در اثر بی‌دقتی بافنده فرش، قالی روی دار پاره شود که در هر حال باید رفو، با رنگی مشابه رنگ به کار رفته در فرش انجام پذیرد. بدیهی است در صورتی که در انتخاب رنگ و عمل رفو دقت کافی نشود، جای رفو شده به چشم خواهد خورد و از ارزش قالی کم خواهد کرد. به طور کلی هماهنگی رنگ نخ‌های به کار برده شده در رفوگری با رنگ‌های اصلی، حایز اهمیت زیادی است.

6. اگر در یک طرف فرش پارگی ایجاد شود، می‌توان آن را از روی نقشه طرف سالم فرش رفو کرد. اگر نقشه دو طرف فرش یکسان نباشد، رفوگر باید با توجه به کلیات نقشه فرش، نقشه‌ای مناسب روی کاغذ شطرنجی طرح کند و سپس عمل رفوگری را انجام دهد. هرگاه فرش بدون نقشه ترمیم شود، ارزش خود را از دست خواهد داد.



استاد صفر علی خندان در حال رفوگری

7. اگر در وسط فرش یا نقطه‌ای از آن جرخوردگی واضحی پیدا شود، ابتدا باید محل جرخوردگی فرش را از رو یا پشت علامت‌گذاری کنند، بعد همان محل را تا کنند. حال اگر جرخوردگی به علت خشکی چله‌ها ادامه یابد، نباید

رنگرزی و رفوگری فرش در استان مرکزی ❖ 253

آن را دست‌کاری کرد، بلکه باید حدود جرخوردگی را با مازیک علامت‌گذاری کرد و بعد آن را با تیغ خیلی تیز از بدنه فرش جدا نمود. سپس قسمت از بین رفته را از روی تعداد چله‌ها و با نخ‌های مناسب چله‌کشی کرده و بعد پود نازک و کلفت را از روی نقشه بافته شده که از بدنه جدا کرده‌اند، با دقت در بدنه فرش پیاده کنند.

8. رنگرزی: برای اینکه رفوگر در هر شرایطی قادر به تأمین مواد مورد نیاز و مصالح ضروری خود باشد، باید اصول رنگرزی را یاد بگیرد؛ زیرا بسیار اتفاق می‌افتد رنگی که در سال‌های قبل به کار رفته است، هنگام احتیاج و رفوگری در بازار پیدا نشود. همچنین، امکان دارد نخ‌های فرش در اثر استعمال تغییر رنگ پیدا کند که تهیه نخ‌های هم‌رنگ از بازار به آسانی میسر و ممکن نیست. در چنین اوضاعی لازم است که رفوگر نیازهای خود را شخصاً تهیه کند و برای این عمل داشتن اطلاعات مختصری از رنگرزی ضرورت پیدا می‌کند.

9. گاهی اتفاق می‌افتد با وجود تمام دقت‌هایی که به عمل می‌آید، رنگ جای رفو شده با رنگ اصلی فرش مغایرت می‌یابد که در این صورت رفوگر می‌تواند از رنگ‌های محلول و آماده استفاده کند و پس از پایان کار رفوگری، قیچی زدن، کیله‌کشی و اتوکشی، از آن رنگ‌ها برای تطبیق چله استفاده نماید و بعد روی قسمت رنگ شده، اتوی نیمه گرم (به مدت ده ثانیه) قرار دهد تا نتیجه مطلوب به دست آید. با این رنگ‌ها حتی می‌توان عیب رگه‌های فرش را نیز رفع کرد. اگر رنگ‌ها ثابت باشد، هنگام شستن فرش نیز از بین نخواهد رفت. (پایگاه اطلاع رسانی دانشجویان ایران)

جمع‌بندی

فرش دستباف آمیزه‌ای از هنر و صنعت است که پیشینه آن در ایران، به بیش از سه هزار سال می‌رسد. این فرآورده که باید آن را در شمار هنرهای صناعی و سنتی قلمداد کرد، ترکیبی از الیاف پشم، ابریشم و پنبه است که پس از رنگرزی و نقشه‌کشی، در یکی از کانون‌های بافندگی با دست بافته می‌شود.

254 ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

فرش، انواع زیادی دارد که معمولی‌ترین آن قالی است. برخی از نفیس‌ترین قالی‌های ایران در موزه‌های جهان نگهداری می‌شوند که در شهرت یافتن فرش ایران، نقش بسزایی داشته‌اند.

حفظ و ترویج حرفه فرش‌بافی در استان مرکزی علاوه بر ایجاد اشتغال نقش مهمی در اقتصاد، هنر و فرهنگ استان دارد، اما متأسفانه مشکلاتی از قبیل نبود بازار فروش مناسب، نبود حمایت مالی، بی‌توجهی به صادرات، بیمه نبودن هنرمندان و نداشتن برنامه جامع و مدون، فعالان این مشاغل را با مشکلات بسیاری روبه‌رو کرده است. برای مثال دلّالان با قیمت ناچیز، صنایع دستی را از تولیدکنندگان خریداری می‌کنند و با قیمت گران می‌فروشند.

یکی دیگر از مشکلات فعالان در این عرصه، هزینه بالای تولید و سود کم حاصل از فروش تولیدات است.

به هر حال نگرش به این گونه مشاغل سنتی باید تغییر یابد؛ زیرا تغییر نگرش، صنعت ملی را بیمه خواهد کرد و آنچه در این فضا می‌تواند هنر بومی و اصالت آن را زنده و پویا نگه دارد، عمق دادن به هنر و فرهنگ محلی و منطقه‌ای است.

منابع

الف) کتاب

1. شاملو، کاظم (1344) ارتباط متقابل صنعت و فرهنگ در توسعه شهر اراک، اراک: مدیریت برنامه‌ریزی استان مرکزی.
2. موسوی، لیلا سادات (1355) صنایع دستی استان مرکزی، تهران: انتشارات زرین و سیمین.
3. وولف، هانس‌ای (1372) صنایع دستی کهن ایران، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

ب) تارنمای مجازی

1. «روستای آمره» در پایگاه اطلاع‌رسانی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان قم:
www.qom.mcls.gov.ir
2. «رنگرزی گیاهی» در پایگاه اطلاع‌رسانی رنگرزی 86:
http://rangrazi86art.blogfa.com
3. «رفوگری» در پایگاه اطلاع‌رسانی علمی دانشجویان ایران:
http://www.daneshju.ir
4. «رنگرزی سنتی» در پایگاه اطلاع‌رسانی گره:
http://gereh.ir
5. «همه چیز درباره رنگرزی»، در پایگاه اطلاع‌رسانی نودهشتیا:
www.forum.98ia.com

ج) مصاحبه

هوایی، محمدتقی، اراک، مرکزی، 00/2/6



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی